

بهار خدای بخشاینده مهربان

بهار خدای بخشاینده مهربان



وزارت آموزش و پرورش  
سیازمان آموزش و پرورش استان خوزستان  
مدیریت آموزش و پرورش ناحیه ( اهواز

## دیرستان حضرت نرجس (س)

### کتاب علوم و فنون ادبی دهم

درس دهم: زبان و ادبیات فارسی در سده های پنجم و ششم و  
ویژگی های سبکی آن

مدرس: اعظم ویسی

## شعر فارسی:

تلاش شاعران ایران از قرن سوم تا میانه قرن پنجم، موجب شد زبان و ادب فارسی در شرق و شمال شرق، یعنی ماوراءالنهر، خراسان و سیستان گسترش یابد.  
عوامل مهم پیشرفت و گسترش زبان و ادبیات فارسی در این دوره عبارت اند از:

- گرایش شاهان در جلب عالمان و ادیبان به دربار؛
- لشکرکشی ها و فتوحات غزنویان؛
- توسعه مدارس و مراکز تعلیم.

در این دوره پدید همهای عمده دیگری نیز برای زبان فارسی رخ نموده است، از جمله:

- گسترش فارسی دری و آمیزش آن با کلمات و لغات نواحی مرکزی و غربی ایران؛
- درآمیختن زبان فارسی با لغات زبان عربی؛
- آمیختگی با واژه ها، نام ها و لقب بهای غیر رایج در عصر غزنوی و سلجوقی.

هر چه زمان می گذشت، آمیختگی زبان فارسی با واژگان عربی بیشتر می شد؛ زیرا در مدارس آن عهد، عمدتاً تحصیل علوم دینی و ادبی، میسر بود؛ به همین سبب شاعران و ادیبان، بیش از هر چیز با زبان و ادبیات عربی آشنا می شدند. اعظم ویسی/ناحیه ۱ اهواز

رویداد مهم دیگر این دوره، نشر و گسترش زبان فارسی در هندوستان و آسیای صغیر، یعنی در نواحی شرقی و غربی بیرون از ایران بود.

زبان فارسی در پی لشکرکشی‌های متعدد محمود غزنوی، و جانشینان او، به هندوستان راه یافت و در اندک زمانی در میان هندوان نه تنها زبان سیاسی و نظامی، بلکه زبانی مقدّس قلمداد گردید.

با نگاهی گذرا به شعر این دوره، درمی یابیم: **تا حدود نیمهٔ دوم قرن پنجم و آغاز قرن ششم، شعر پارسی همچنان تحت تأثیر سبک دورهٔ سامانی و غزنوی است؛ یعنی سخن شاعرانی چون ناصر خسرو قبادیانی یادآور سروده های سخنوران قرن چهارم است.**

گروهی از شاعران این دوره، در عین تقلید از پیشینیان، هریک ابتکارات و نوآوری هایی دارند که باعث دگرگونی و تحوّل در سبک سخن فارسی شد.

موضوع قابل توجه در شعر نیمه دوم قرن ششم، علاقه مندی شاعران به سرودن غزلهای لطیف و زیباست.

انوری و هم سبکان او در آوردن مضامین دقیق در غزل بسیار کوشیدند.

تحولی که سنایی و انوری در غزل ایجاد کردند، باعث شد که در قرن هفتم، شاعران بزرگی در غزل ظهور کنند و این نوع از شعر فارسی را به اوج برسانند.

در همان حال که شاعران خراسان و سیستان، سرگرم رونق بخشی سبک تازه بودند، در شمال غرب ایران دست های از شاعران ظهور کردند که کار آنان در ادب فارسی، تازگی داشت.

این دسته که شاعران معروف آذربایجان (خاقانی، نظامی و...) بودند، سبک شعر فارسی را از آنچه در دیگر نواحی ایران یا پیش از آنان رایج بود، متمایز ساختند.

مرکز ادبی مهمّ دیگری که در نیمهٔ دوم قرن ششم، در شکل گیری شیوهٔ خاصی از شعر فارسی مؤثر بود، حوزهٔ ادبی فارس و نواحی مرکزی (عراق عجم) است. در این حوزهٔ ادبی، شاعران و نویسندگان مشهوری در اصفهان، همدان، ری و... ظهور کردند که در تجدید سبک، بسیار تأثیرگذار بودند؛ از جمله آنان، جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی است.

سبک شعر در نیمهٔ دوم قرن ششم و اوایل قرن هفتم متحوّل شد و عمدتاً با شیوهٔ شاعری پیش از آن، متمایز گردید و مقدمهٔ ظهور «سبک عراقی» در شعر فارسی شد. شعر این دوره از نظر سبک گویندگی و موضوع، تنوع یافت و در شاخه‌ها و رشته‌هایی همچون مدح، هجو، طنز، وعظ و حکمت، داستان سرایی، تغزل و حماسه به کار گرفته شد.

از ویژگی‌های شعر فارسی در این دوره، تأثیرپذیری برخی از شاعران از ادبیات عرب و مضامین شعری آن است.

نکته قابل توجه دیگر در شعر این دوره، آن است که برخی از شاعران از مدح شاهان و انتساب به دربارها پرهیز می کردند. **ناصر خسرو**، از شاعران آغاز این دوره، به سبب پایبندی به اعتقادات خاصّ دینی از دربارها کناره می گرفت. پس از او، **سنایی** هم که ابتدا **مدیحه گوی** بود، در **دوره دوم از حیات شعری** خود، به **سیر و سلوک معنوی** پرداخت.

تحوّل روحی و معنوی سنایی، آغازی برای دگرگونی عمیق در شعر فارسی گردید؛ آن چنان که به پیروی از وی بسیاری از شاعران به تصوّف و عرفان روی آوردند و **شاعران بزرگی چون عطار و مولوی** ظهور کردند. با خروج شعر از دربارها و ورود آن به **خانقاه ها** دامنه موضوعات آن، گسترش یافت و بر **سادگی بیان، قدرت عواطف، عمق افکار و اندیشه هایی** که موضوع شعر پارسی بود، افزوده شد و **خانقاه ها** در شمار **پشتیبانان و پناهگاههای شعر فارسی** درآمدند.

**حکمت و دانش و اندیشه های دینی** نیز در شعر این دوره، تأثیری عمیق بخشید و جزئی از مضامین شعری شد. **بدینی شاعران** نسبت به دنیا و بریدن از آن، شکایت از روزگار، بیان ناخرسندی فرزندگان از اوضاع زمانه خویش و طرح نابسامانی های اجتماعی از مضامین برجسته شعر این دوره است.

## نثر فارسی در سده های پنجم و ششم:

این دوره، یکی از مهمترین دوره های کمال و گسترش نثر پارسی است. در قرن چهارم و اوایل قرن پنجم، نثر پارسی تازه ظهور کرده بود و با همه پیشرفت هایی که داشت هنوز در آغاز راه بود. در نیمه قرن پنجم با دوره بلوغ آن مواجه می شویم و در قرن ششم و اوایل قرن هفتم آن را در حال پختگی و کمال می یابیم. در این دوره، تألیف کتاب در موضوعهای گوناگون علمی رواج یافت و نثر ساده به کمال رسید و نثر مصنوع هم رایج شد.

از دیگر مسائلی که در تاریخ نثر این دوره اهمیت دارد، توجه نویسندگان به فارسی نویسی است که عمده ترین دلایل آن عبارت اند از:

- (۱) گسترش عرفان و تصوّف؛

- (۲) شکل گیری دولت سلجوقی و بهره گیری از دبیران و نویسندگان تربیت یافته در خراسان و عراق؛ چنان که کمترنامه و منشور و فرمانی به زبان عربی نگاشته می شد و بدین سان مجموعه های مشهوری از متون نثر پارسی پدید آمد.



در این دوره، از دیدِ سبکِ نثرِ پارسی به شیوهٔ دیگری از نثر می‌رسیم که می‌توان آن را «نثر موزون» نامید.

ویژگی اصلی نثر موزون به کارگیری سجع است. سجع در نثر مانند قافیه در شعر است؛ بنابر این، نثر موزون یا آهنگین با بهره‌گیری از جمله‌های کوتاه، خود را به شعر نزدیک می‌کند.

خواجه عبدالله انصاری این شیوهٔ نثر را به کمال رساند؛ آن چنان که می‌توان آثار وی را سرآمد همهٔ نثرهای موزون فارسی شمرد. نمونه‌ای از این نثر را می‌خوانیم:

ای کریمی که بخشندهٔ عطایی؛ و ای حکیمی که پوشندهٔ خطایی؛ و ای صمدی که از ادراک خلق جدایی؛ و ای احدی که در ذات و صفات، بی‌همتایی؛ و ای خالقی که راه‌نمایی؛ و ای قادری که خدایی را سزایی؛ جان ما را صفای خود ده؛ و دل ما را هوای خود ده؛ و چشم ما را ضیای خود ده؛ و ما را آن ده که آن به؛ و مگذار ما را به که و مه.

نمونه دیگر از نثر موزون که تحت تأثیر خواجه عبدالله نوشته شد، کتاب تفسیر

«کشف الاسرار و عده الابرار» ابوالفضل میبیدی است:

«فرمان بزرگوار از خدای نامدار می گوید... بندگان من، مرا پرستید و مرا خوانید و

مرا دانید که آفریدگار منم؛ کردگار نامدار، بنده نواز آمرزگار منم؛ مرا پرستید که

جز من معبود نیست؛ مرا خوانید که جز من مجیب نیست ...»

اعظم ویسی / ناحیه ۱ اهواز

پس از نثر موزون، به شیوه دیگری می‌رسیم که «نثر فنی» نام دارد. منظور از نثر فنی، آوردن آرایه‌های ادبی فراوان، امثال و اشعار گوناگون از عربی و پارسی و اصطلاحات علمی است.

دوره رواج این گونه نثر، قرن ششم هجری است و نخستین نمونه آن، کتاب «کلیله و دمنه» از ابوالمعالی نصرالله منشی است که (در سال ۵۳۶ ه.ق.) در اواسط نیمه اول قرن ششم تألیف شد:

«بازرگانی بود بسیار مال و او را فرزندان در رسیدند و از کسب و حرفت اعراض نمودند و دست اسراف به مال او دراز کردند. پدر، موعظت و ملامت ایشان واجب دید و در اثنای آن گفت که: ای فرزندان، اهل دنیا، جویان سه رُتب تاند و بدان نرسند، مگر به چهار خصلت؛ اما آن سه که طالب آنند، فراخی معیشت است و رفعت منزلت، و رسیدن به ثواب آخرت؛ و آن چهار که به وسیلت آن بدین اغراض توان رسید، الفَعْدنِ مال است از وجه پسندیده و ...»

اعظم ویسی / ناحیه ۱ اهواز

## برخی از ویژگی های سبکی این دوره:

### الف) زبانی:

- ۱ از میان رفتن لغات مهجور فارسی نسبت به سبک خراسانی؛
- ۲ فراوانی ترکیبات نو؛
- ۳ کاهش سادگی و روانی کلام و حرکت به سوی دشواری متون؛
- ۴ ورود لغات زبان ترکی و مغولی به زبان فارسی.

### ب) ادبی:

- ۱ رواج و او جگیری بیشتر قال بهای شعری، به ویژه غزل و مثنوی؛
- ۲ رواج داستانسرایی و منظومه های داستانی؛
- ۳ توجه بیشتر به آرای ههای ادبی؛
- ۴ به کارگیری ردیف های فعلی و اسمی دشوار در شعر.

پ) فکری:

- ۱ ورود اصطلاحات عرفانی؛
- ۲ فراوانی وعظ و اندرز در شعر؛
- ۳ فاصله گرفتن غزل از عشق زمینی؛
- ۴ رواج هجو در شعر؛
- ۵ رواج حسّ دینی؛
- ۶ رواج مفاخره، شکایت و انتقاد اجتماعی.

## ویژگی های عمده نثر فارسی این دوره عبارتند از:

- ۱ استفاده از آرای همهای ادبی؛ مانند: موازنه، سجع، مراعات نظیر، تشبیه و ...؛
- ۲ حذف افعال به قرینه؛
- ۳ کاربرد لغات مهجور عربی، ترکی و مغولی و اصطلاحات علمی و فنی؛
- ۴ رواج نثر داستانی، تمثیلی و عرفانی؛
- ۵ آوردن مترادفها و توصیف های فراوان؛
- ۶ کاربرد آیات، احادیث و اشعار در متن؛
- ۷ استفاده از ترکیبات دشوار.

## برخی از آثار منشور این دوره عبارت اند از:

قابوسنامه، تاریخ بیهقی، چهارمقاله نظامی عروضی، مقامات حمیدی، کلیله و

دمنه

**نمونه:**

چنین آورده اند که نصر بن احمد که واسطهٔ عقدِ آل سامان بود و اوج دولت آن خاندان، ایامِ مُلکِ او بود، و اسبابِ تمنّع و عللِ تَرَفُّعِ در غایتِ ساختگی بود؛ خزاینِ آراسته و لشکرِ جرّار و بندگانِ فرمانبردار. زمستان به دارالمُلکِ بخارا مقام کردی و تابستان به سمرقند رفتی یا به شهرهای خراسان.

**«چهارمقاله، نظامی عَرُوضی»**

با تشکر از توجه شما